

تحلیل مسئولیت‌های اخلاقی انسان در مورد محیط زیست با تکیه بر آیات قرآن کریم

سید احمد هاشمی علی‌آبادی*

استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران

(تاریخ دریافت: 1397/12/26؛ تاریخ پذیرش: 1398/10/17)

چکیده

ازجمله موضوعات مورد بحث در حوزه زیست، اخلاق کاربردی و حقوق بحث از بایدها و نبایدهای تعامل انسان با محیط زیست است. قرآن کریم، به‌عنوان کتاب تکوین و تشریح، در گزاره‌های توصیفی و الزامی خود روش صحیح تعامل انسان با محیط زیست را با ظرافت، دقت و عمیق بیان نموده است. این پژوهش، با هدف تبیین نگاه قرآن در این مورد و با روشی توصیفی - تحلیلی، به عمده‌ترین مسئولیت‌های اخلاقی انسان در مورد محیط زیست پرداخته است و ضمن بیان نگاه قرآن به ارزش ذاتی، قداست، نظام‌مندی و بُعد ملکوتی محیط زیست و نیز ارزش ابزاری و خلقت محیط زیست برای انسان به این نتایج دست یافت که آبادانی و حفظ محیط زیست، استفاده بهینه و بدون افراط و تفریط، جلوگیری از تخریب و آلوده کردن آن، رعایت حق آیندگان و سپاس‌گزاری، احترام و مهرورزی به محیط زیست جزو وظایف ضروری از نگاه قرآن است. گردآوری مطالب این تحقیق با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و رجوع مستقیم به آیات قرآن کریم و شیوه تفسیری آیه به آیه و نیز شیوه تفسیر روایی انجام گرفته است.

واژگان کلیدی: محیط زیست، قرآن، اخلاق، مسئولیت اخلاقی.

بیان مسئله

همه محیط‌هایی که زندگی در آن‌ها جریان دارد و مجموعه‌ای از موجودات زنده را شامل می‌شوند و علاوه بر تعامل با یکدیگر، بر رشد و نمو هم تأثیر دارند، محیط زیست گفته می‌شود.

«محیط زیست» از دو واژه «محیط» و «زیست» تشکیل یافته و در فارسی به معنای جایگاه و محل زندگی است. در فرهنگ‌های مختلف داخلی و خارجی مورد توجه قرار گرفته و در اصطلاح، هدیه‌ای الهی است که از مجموعه‌ای از منابع، موجودات، علل و شرایط هماهنگی که گرداگرد هر موجود زنده وجود دارد و استمرار زندگی و حیات منوط و وابسته به آن است، تشکیل می‌شود (محمدی و اذانی، 1396 ش، ش 4: 43).

امروزه، محیط زیست با رشد جمعیت، مهاجرت بی‌رویه به شهرها و گسترش بی‌ضابطه شهرنشینی، تسریع در نابودی مراتع و جنگل‌ها و بیابانی شدن اراضی، افزایش سیل‌ها و خشکسالی‌ها و به‌دنبال آن، کاهش تنوع زیستی و نابودی گونه‌های گیاهی و جانوری، مصرف بی‌رویه آلاینده‌های صنعتی و شیمیایی، افت شدید آب‌های سطحی و استخراج بی‌رویه آب و تخریب لایه ازن درگیر نابسامانی‌های تخریب‌کننده و نگران‌کننده است. عامل اصلی این نابسامانی‌ها، دورافتادن بشر از معارف نورانی وحی و اخلاق دینی است که ریشه در نگرش‌های اومانیستی و منفعت‌طلبانه انسان دارد. به بیان برخی اندیشمندان، باید این بحران را «بحران معنوی» نام نهاد (محقق داماد، 1393 ش: 57). بشر منفعت‌طلب، برای آسایش خود، بی‌رحمانه به جان طبیعت افتاده و این واقعیت را فراموش نموده است که دارایی‌های طبیعی و خدادادی، به بیان نورانی قرآن کریم، هم محدود است (وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ) (حجر/21) «و خزائن همه‌چیز، تنها نزد ماست، ولی ما جز به اندازه معین آن را نازل نمی‌کنیم». و هم برای مدت معینی در اختیار انسان است: (وَ اللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَ يَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَ مِنْ أَصْوَابِهَا وَ أَوْبَارِهَا وَ أَشْعَارِهَا أَثَاثًا وَ مَتَاعًا إِلَى حِينٍ) (نحل/81) «و خدا برای شما از خانه‌هایتان محل سکونت (و آرامش) قرار داد؛ و از پوست چهارپایان نیز برای شما خانه‌هایی قرار داد که روز کوچ کردن و روز اقامتتان، به آسانی می‌توانید آن‌ها را جابه‌جا کنید؛ و از پشم و کرک و موی آن‌ها برای شما اثاث و متاع (و وسایل مختلف زندگی) تا زمان معینی قرار داد».

بنابراین، باید در تعامل با محیط زیست و استفاده از آن قوانین و قواعد اخلاقی، انسانی و الهی را در نظر گرفت و برای جلوگیری از تخریب بیش‌ازپیش آن تلاش نمود. برخی

اندیشمندان، وسعت دایره امر به معروف و نهی از منکر را به عرصه محیط زیست نیز کشانده، جلوگیری از تخریب آن را وظیفه‌ای همگانی می‌دانند (مصباح یزدی، 1382ش: 147). این رسالت خطیر نیز با قوانین موضوعه بشری که توان جلوگیری از امیال خودخواهانه بشریت را ندارد، میسور نیست و باید به اصول اخلاقی محیط زیست مندرج در متون دینی روی آورد (محقق داماد، 1393ش: 60). «موریس استرانگ»، مشاور ارشد کوفی عنان در امور محیط زیست، در این زمینه می‌گوید:

«آنچه انسان را از دیگر اجزای طبیعت جدا می‌کند، جنبه معنوی و اخلاقی اوست و من اعتقاد دارم تمدن ما تا پایان قرن آینده پایدار نخواهد بود مگر آن‌که زندگی اقتصادی - امنیتی و سیاسی ما با هدایت و انگیزه‌دهی متعالی‌ترین ارزش‌های اخلاقی و معنوی صورت بگیرد و در خدمت آن باشد» (اصغری لقمجانی، 1384ش: 3).

هرچند در مورد محیط زیست و نحوه صحیح تعامل انسان با آن کتاب‌ها و مقالات خوبی به چاپ رسیده و نهادها و سازمان‌ها و تشکل‌های دولت‌نهاد و مردم‌نهاد بسیاری تشکیل شده است، اما بررسی نگاه دینی به این مقوله به‌خصوص تبیین و تحلیل آیات نورانی قرآن کریم در مورد محیط زیست هنوز جای بسی کار و درنگ دارد.

برخی اندیشمندان با نگاهی الهیاتی به این موضوع پرداخته‌اند که کتاب *الهیات محیط زیست* نوشته سید مصطفی محقق داماد از این دست مطالعات است. برخی نیز با نگاهی اخلاقی و حقوقی آن را مورد مذاقه قرار داده‌اند که کتاب *اخلاق محیط زیست* نوشته جان بنسون و نیز *درآمدی به اخلاق زیست‌محیطی در اسلام* نوشته علی اسماعیلی ایولی و کتاب *اصول تربیت زیست‌محیطی* نوشته صادق اصغری و کتاب *سند، حقوق محیط زیست* نوشته الکساندر کیس و همکاران ایشان از این دست مکتوبات است. برخی نیز، با نگاهی اسلامی و برخاسته از آیات و روایات، تحت عنوان «اسلام و محیط زیست» به نگارش آثاری پرداخته‌اند. عبدالله جوادی آملی، سید محمد حسینی شیرازی، سحر رضائیان و سید علی جوزی با همین نام دست به تألیف زده‌اند.

این پژوهش تلاش دارد در بُعد نگرشی با محوریت مباحث اخلاقی و با رویکردی کاربردی جهت پایداری محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن با روشی توصیفی - تحلیلی به تبیین و تحلیل عمده‌ترین مسئولیت‌های اخلاقی از نگاه قرآن در این مورد بپردازد. سؤال اصلی این پژوهش آن است که اسلام با نگاه جامع خود در مورد محیط زیست چه مسئولیت‌های اخلاقی را بر دوش انسان نهاده است.

اما قبل از آن، نگرش کلی قرآن کریم در مورد ارزشمندی محیط زیست بررسی شده تا عمق این نگرش روشن شود. و در ادامه، به مسئولیت‌های اخلاقی مهم در این رابطه می‌پردازد.

1- نگاه قرآن به محیط زیست

در نگاه قرآن کریم، شناخت ابعاد و توانایی‌های محیط زیست و مطالعه آن از اهداف مهم تربیتی انسان است که سهم مهمی در تعالی روحی انسان دارد. در یک نگاه کلی، عالم و مخلوقات الهی در دیدگاه قرآن دارای درک و شعور است و بر اساس این درک، تسبیح‌گوی خداست (اسراء/ 44). قرآن کریم، طبیعت را آیت الهی و مظهر خداوند می‌داند. (فصلت/ 53؛ انعام/ 1 و سجده/ 7). و در حدود 750 آیه در زمینه خداشناسی از راه علوم طبیعی سخن گفته است و انسان را به مطالعه و دقت در هستی فرامی‌خواند (یونس/ 101؛ عنکبوت/ 20؛ فصلت/ 53؛ بقره/ 164؛ انعام/ 97-99؛ نحل/ 32-34؛ لقمان/ 31؛ شوری/ 32-35 و...). خداوند حتی به عناصری در طبیعت قسم می‌خورد که به بیان برخی مفسران، به دلیل منافع و مصالح عجیبی است که در این عناصر وجود دارد (رازی، 1420ق، ج 32: 211؛ طباطبایی، 1390ش، ج 20: 319؛ زمخشری، 1407ق، ج 4: 773).

با مقایسه اجمالی بین قرآن و دیدگاه‌های علم‌نما و منفعت‌طلب برخی اندیشمندان، عظمت و قداست نگاه قرآن را می‌توان درک نمود. محقق داماد از زبان لوک، بنیانگذار ماتریالیسم مدرن، نقل می‌کند که طبیعت فاقد ارزش است، مگر این‌که به دست انسان مورد بهره‌برداری قرار گیرد. وی از نگاه مارکس نیز چنین نقل می‌کند که هستی چیزی جز ماده بی‌شعور نیست (محقق داماد، 1393ش: 32). مقایسه این نگاه با جمله‌ای نورانی از رسول گرامی اسلام که از داغ نهادن به صورت حیوانات و یا زدن به صورت آن‌ها نهی فرمود و دلیل سخن خود را تسبیح‌گو بودن حیوانات می‌دانست (بحرانی، 1373ش، ج 3: 537)، کاملاً تفاوت دو نگرش را روشن می‌سازد. به گفته جوادی آملی: «بهره‌وری وی از طبیعت به تسخیر الهی وابسته است؛ یعنی خداوند است که نظام آفرینش را تسخیر کرده و آن را مسخر بشر قرار داده است (نه دیگری) و انسان محصول تسخیر الهی را دریافت می‌کند؛ نه آن‌که خود تسخیرکننده باشد (جوادی آملی، 1388ش، ج 6: 457).

از نگاه قرآن، همه اجزای عالم هستی، از جمله طبیعت و انسان، به هم پیوسته و دارای نظامی هماهنگ و موزون‌اند (حجر/ 19؛ ملک/ 3) که به‌سوی هدفی معین و مشخص در حرکت‌اند (آل عمران/ 109). به گفته جوادی آملی:

«زیبایی جهان آفرینش در نظام‌مند بودن آن است؛ به‌طوری‌که هر مخلوقی با هماهنگی اجزای درونی و با هدف معین و راه و راهنمای مشخص آفریده شد. لذا هم نظام فاعلی آن منسجم و عالمانه است و هم نظام غایی آن مرتبط و حکیمانه است و هم نظام داخلی آن هماهنگ و خردمندانه تعبیه شده است» (جوادی آملی، 1388ش: 22).

این نظم و هماهنگی طبق کلام نورانی امام صادق (ع)، حکایت‌گر وجود اراده‌ای واحد است که نشان از توحید دارد (ابن بابویه، 1398ش: 250).

در نگاه قرآن، عالم طبیعت، افزون بر جنبه ملکی و دنیوی، دارای بُعد ملکوتی و معنوی است. شاید بتوان گفت این سخن فقط و فقط از ناحیه صانع و خالق هستی صادر می‌شود و ذهن مادی بشر قدرت فهم و تحلیل آن را ندارد و تنها خاصان الهی می‌توانند به این مرحله از درک هستی برسند که جزو موقنین گردند. خداوند در مورد حضرت ابراهیم (ع) می‌فرماید: ﴿وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ لِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ﴾ (انعام/ 75)؛ «و این چنین، ملکوت آسمان‌ها و زمین (و حکومت مطلقه خداوند بر آن‌ها) را به ابراهیم نشان دادیم؛ (تا به آن استدلال کند،) و اهل یقین گردد.» سید قطب در تفسیر این آیه، ملکوت آسمان‌ها و زمین را به اسرار پوشیده در دل هستی و آیات پراکنده در صفحات وجود تفسیر نموده است (قطب، 1412ق، ج 2: 1139). پی بردن به اسرار هستی، آن هم نه فقط اسرار و قوانین علمی، طبق آیه فوق، انسان را به مراتب یقین رهنمون می‌سازد. این درخواست خداوند از تمام انسان‌هاست که به ملکوت هستی پی ببرند و درک اسرار و حقیقت هستی را به لحظه مرگ موکول نکنند ﴿أَوْ لَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَى أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ﴾ (اعراف/ 185) «آیا در حکومت و نظام آسمان‌ها و زمین، و آنچه خدا آفریده است، (از روی دقت و عبرت) نظر نیفکنند؟! (و آیا در این نیز اندیشه نکردند که) شاید پایان زندگی آن‌ها نزدیک شده باشد؟! (اگر به این کتاب آسمانی روشن ایمان نیاورند،) بعد از آن به کدام سخن ایمان خواهند آورد؟!»

این آیه، به فرموده برخی مفسران، انسان را به دقت و استدلال و تفکر در خلقت خداوند و صنع و تدبیرش تشویق می‌کند و این که هستی بر صانعیت، حکمت، وجود و عدالت خداوند رهنمون می‌کند (جصاص، 1405ق، ج 4: 211).

1- وظایف انسان در مقابل محیط زیست

همان‌گونه که گفته شد، در نگاه متعالی قرآن، محیط زیست آیتی الهی و دارای ارزش ذاتی است و در عین حال، برای انسان خلق شده است؛ دارای اجزایی هماهنگ و منظم که هدفی را دنبال می‌کند و در ورای ظاهر پیچیده آن، اسرار و ملکوتی نهفته است که جز اهل یقین به آن دست نمی‌یابند. این نوع نگرش قرآنی اجازه استعمار محیط زیست را به انسان نمی‌دهد و از او در قبال آن مسئولیتی می‌خواهد. هرچند تبیین مسئولیت‌های اخلاقی انسان در تعامل با

محیط زیست فراتر از این پژوهش است، اما تلاش نویسنده آن است که به تکالیف کلی و مهم انسان، در این خصوص، با تکیه بر آیات نورانی قرآن بپردازد.

2-1. آبادانی و حفظ محیط زیست

بهره‌گیری از هستی طبق آیه 10 سورة جمعه فراخوان عمومی قرآنی است: (فَإِذَا قُضِيَتْ الصَّلَاةُ فَاتَّشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ)؛ «هنگامی که نماز پایان گرفت (شما آزادید) در زمین پراکنده شوید و از فضل خدا بطلبید، و خدا را بسیار یاد کنید شاید رستگار شوید!» و درخواست آبادانی زمین از سوی خداوند درخواست جدی اوست که در قرآن با واژه «استعمار» به معنی طلب آبادانی کردن مطرح شده است: (هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوْبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُجِيبٌ) (هود/61)؛ «اوست که شما را از زمین آفرید، و آبادی آن را به شما واگذاشت؛ از او آموزش بطلبید، سپس به سوی او بازگردید، که پروردگرم (به بندگان خود) نزدیک، و اجابت کننده (خواسته‌های آن‌ها) است!»

جصاص در تفسیر احکام القرآن به کارگیری عبارت «واستعمرکم» را دال بر وجوب آبادانی زمین و تکلیفی از سوی خدا می‌داند (جصاص، 1405ق، ج 4: 378) که باید انسان به بهترین صورت انجام دهد.

به بیان جوادی آملی، طبق آیه فوق، انسان علف هرز روییده در زمین نیست، بلکه انشا و ایجاد الهی است که به‌عنوان خلیفه خداوند باید از مواد خام سفره طبیعت با هوش و استعداد و فناوری خود استفاده بهینه کند (جوادی آملی، 1388ش: 27). لذا نافرمانی از این دستور الهی، مانند سایر دستوراتش، عذاب الهی را در پی خواهد داشت. امیر مؤمنان^(ع) در بیانی می‌فرمایند: «مَنْ وَجَدَ مَاءً وَ تَرَاباً ثُمَّ افْتَقَرَ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ» (حمیری، 1413ق: 115)؛ ملتی که آب و زمین کشاورزی به‌اندازه کافی داشته باشد، ولی در فقر زندگی کند، از رحمت الهی دور باد!

لازم به ذکر است واژه استعمار با واژه استثمار کاملاً متفاوت است. خداوند در آیه فوق از انسان آبادانی زمین را می‌خواهد، نه بهره‌کشی بیشتر از آن را. امروزه، شاهد معنای جدیدی از استعمار در سطح جهان هستیم که با تحریم اقتصادی ملت‌ها و کشورها و وضع قوانین بازدارنده آن در قالب زیبای دفاع از محیط زیست مانع جدی در مسیر آبادانی زمین ایجاد می‌کنند و خود، با تشکیل ذرات خانه‌های هسته‌ای و ایجاد گازهای گلخانه‌ای، به معنای واقعی در استعمار خویش و استثمار طبیعت گام می‌نهند و به تصریح قرآن، موجب فساد در نسل انسان و از بین رفتن گیاهان و فساد در زمین می‌شوند: (وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ

فِيهَا وَ يُهْلِكُ الْخَرْتَّ وَ النَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره/ 205) «هنگامی که روی برمی گردانند (و از نزد تو خارج می‌شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند، و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازند؛ (با این که می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد».

به‌وضوح از این آیه می‌توان برداشت نمود که ویرانگری در نسل و محیط زیست حرام است. در اهمیت حفظ نسل حیوانات همین اندازه بس که در زمان وقوع طوفان نوح، برای جلوگیری از انقراض نسل حیوانات، حضرت نوح^(ع)، به امر خدا، از هر نوع حیوان یک جفت در کشتی خود قرار می‌دهد تا نسل حیوانات نیز همانند انسان‌ها منقرض نگردد. بنابراین، باید، به تکلیف الهی، مسئولیت آبادانی زمین را مؤمنین به خدا و روز قیامت به‌دست گیرند (توبه/ 18) تا خوی استکباری انسان موجب تخریب بیشتر زمین نگردد.

رسول گرامی اسلام، در بیان اهمیت حفظ محیط زیست، می‌فرماید: «مَنْ سَقَى طَلْحَةً أَوْ سِدْرَةً فَكَأَنَّمَا سَقَى مُؤْمِنًا مِنْ ظَمًا» (حرّ عاملی، 1409ق.، ج 17: 42) کسی که درخت بیابانی و درخت مورد استفاده انسان را آب دهد، همانند کسی است که انسان مؤمنی را سیراب کرده است.

حضرت امیر مؤمنان^(ع) نیز این مسئولیت سنگین را در عهدنامه مالک‌اشتر به‌مراتب از جمع‌آوری درآمدهای عمومی مهم‌تر می‌داند و می‌فرماید: «وَلْيَكُنْ نَظْرُكَ فِي عِمَارَةِ الْأَرْضِ أَوْلَى مِنْ نَظْرِكَ فِي اسْتِجْلَابِ الْخَرَاجِ لِأَنَّ ذَلِكَ لَا يُدْرِكُ إِلَّا بِالْعِمَارَةِ وَ مَنْ طَلَبَ الْخَرَاجَ بَعِيْرَ عِمَارَةِ أُخْرَبَ الْبِلَادَ وَ أَهْلَكَ الْعِبَادَ» (شریف الرضی، 1414ق.، 437) باید اهتمام تو به آباد نمودن زمین بیش از همت‌گماردن تو به جمع درآمد باشد و هر حاکمی خراج را بدون آبادانی زمین طلب کند، سرزمین‌ها را خراب و بندگان خداوند را هلاک نموده است.

البته این مسئله، دغدغه عامّ جهانی است که به تعبیر بعضی محققان در همه‌جای دنیا و در همه نظام‌های اقتصادی، برای حفظ مصالح عمومی، نظیر بهداشت عمومی یا حفظ محیط زیست، کنترل‌ها و محدودیت‌هایی نسبت به فعالیت‌های اقتصادی اعمال می‌شود و این مسئله اختصاصی به اسلام ندارد. (مصباح یزدی، 1391ش.، 231) همین دغدغه موجب شد تا در ماده 192 کنوانسیون حقوقی دریاها سازمان ملل متحد، دولت‌ها موظف شوند که از محیط زیست دریایی حمایت و محافظت کنند. و نیز در کنوانسیون 1968 آفریقا، که جزو قدیمی‌ترین معاهدات بین‌المللی است، دولت‌های طرف قرارداد را ملزم می‌کند تا با قبول اقدامات مراقبتی متعهد شوند که در جهت بهره‌برداری و توسعه منابع طبیعی از جمله خاک، آب، گیاهان و جانوران حمایت لازم را تأمین نمایند (کیس، 1384ش.، 76).

2-2. پرهیز از فساد و تخریب محیط زیست

از نگاه قرآن، رابطه انسان با موجودات و محیط زیست مالکانه نیست، بلکه انسان عامل انجام اراده الهی و امانت‌دار هستی خود و سایر موجودات است و چون به بیان قرآن، خلیفه خداست (فاطر/ 39 و بقره/ 30) باید کار مستخلف‌عنه را انجام دهد. معیار فضیلت و کرامت بنی آدم خلافت الهی است و خلیفه خدا کسی است که حکم مستخلف‌عنه را اطاعت کند و گرنه انسان طاغی یاغی، به جای نوای دل‌پذیر کرامت، تازیانه دردناک (أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ) را باید تحمل کند (جوادی آملی، 1389ش، ج 4: 205). قرآن دنیا را گذرگاهی موقتی به سوی ابدیت می‌داند (مریم/ 40؛ مؤمن/ 16). بنابراین خداوند به انسان هشدار می‌دهد که مراقب اعمال و افکار اوست و وی را در مورد عملکردش مورد بازخواست قرار می‌دهد (فصلت/ 40) و باید مسئولیت خود را بپذیرد و از فساد در زمین بپرهیزد (اعراف/ 56؛ شعراء/ 152؛ اعراف/ 85؛ بقره/ 205) امیر مؤمنان^(ع) در بیانی نورانی دایره مسئولیت انسان را در این زمینه تا حفظ میراث گذشتگان و مراقبت از حیوانات می‌کشاند و می‌فرماید: «تَقْوَا اللَّهَ فِي عِبَادِهِ وَ بِلَادِهِ فَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْأَبْهَائِمِ» (شریف الرضی، 1414ق: 242)، در مورد بندگان خدا و سرزمین آن‌ها تقوای الهی را رعایت کنید؛ چراکه شما مورد سؤال خداوند قرار خواهید گرفت حتی در مورد زمین‌ها و چهارپایان نیز باید پاسخ‌گو باشید.

تعبیر (لَا تَعْتَدُوا) (مائده/ 87)، (لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا) (اعراف/ 56)، (لَا تُسْرِفُوا) (اعراف/ 31) و... در قرآن به خوبی بیانگر حد و مرز بهره‌وری انسان از محیط زیست است. بنابراین مؤمن باید در بهره‌برداری از طبیعت سه اصل «ورع در به‌دست‌آوردن»، «ادب در به‌کاربردن» و «هدف در مصرف کردن» را در نظر داشته باشد (اصغری لمجانی، 1384ش: 87). نکته قابل تأمل در قرآن آن است که اگر انسان از فساد در زیست انسانی و جانوری و گیاهی دست نکشد، طبق سنت الهی با همان عوامل زیست‌محیطی مورد عذاب قرار خواهد گرفت (اعراف/ 133). نمونه بارز این امر سرنوشت قوم سبأ در قرآن است که چنین به تصویر کشیده شده است: (لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكِهُمْ آيَةٌ جَنَّتَانِ عَنْ يَمِينٍ وَ شِمَالٍ كُلُوا مِنْ رِزْقِ رَبِّكُمْ وَ اشْكُرُوا لَهُ بَلْدَةٌ طَيِّبَةٌ وَ رَبُّ غَفُورٌ * فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرْمِ وَ بَدَّلْنَاهُمْ بِجَنَّتَيْهِمْ جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أَكْلِ خَمْطٍ وَ أَثَلٍ وَ شَيْءٍ مِنْ سِدْرٍ قَلِيلٍ) (سبأ/ 15-16) «برای قوم «سبأ» در محل سکونتشان نشانه‌ای (از قدرت الهی) بود: دو باغ (بزرگ و گسترده) از راست و چپ (رودخانه عظیم با میوه‌های فراوان؛ و به آن‌ها گفتیم: از روزی پروردگارتان بخورید و شکر او را به‌جا آورید؛ شهری است پاک و پاکیزه، و پروردگاری آمرزنده (و مهربان)؛ اما آن‌ها (از خدا) روی‌گردان شدند، و ما سیل ویرانگر را بر آنان فرستادیم، و دو

باغ پرپرکشان را به دو باغ (بی‌ارزش) با میوه‌های تلخ و درختان شوره گز و اندکی درخت سدر مبتدل ساختیم!»

قرآن، در یک حکم کلی، هشدار می‌دهد که سرنوشت هر قومی به دست خود آن‌هاست و بازگشت نعمت‌های سلب‌شده الهی با بازگشت آن‌ها از خطای خود ممکن خواهد بود (شوری/30؛ اعراف/96) امیر مؤمنان می‌فرماید: به خداوند سوگند هیچ‌ملتی از آغوش ناز و نعمت زندگی گرفته نشد مگر به‌خاطر گناهایی که مرتکب شدند و راه جبران آن، بازگشت صادقانه به سوی خداوند است.

«وَإِيمُ اللَّهِ مَا كَانَ قَوْمٌ قَطُّ فِي غَضِّ نِعْمَةٍ مِنْ عَيْشٍ فَرَّالٍ عَنْهُمْ إِلَّا بِذُنُوبٍ اجْتَرَحُوهَا لَإِنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَّامٍ لِلْعَبِيدِ وَ لَوْ أَنَّ النَّاسَ حِينَ تَنْزَلُ بِهِمُ النِّعْمُ وَ تَزُولُ عَنْهُمْ النِّعْمُ فَرَّغُوا إِلَى رَبِّهِمْ بِصِدْقٍ مِنْ نِيَّاتِهِمْ وَ وَكَلَهُ مِنْ قُلُوبِهِمْ لَرَدَّ عَلَيْهِمْ كُلَّ شَارِدٍ وَ أَصْلَحَ لَهُمْ كُلَّ فَاسِدٍ» (شریف الرضی، 1414ق: 257).

امام صادق^(ع) نیز قطع درختان را موجب برانگیختن عذاب الهی می‌داند و می‌فرماید: «لَا تَقْطَعُوا الشَّجَرَ فَإِنَّ اللَّهَ عَلَيْكُمْ الْعَذَابَ صَبَّأً» (کلینی، 1407ق: ج 5: 264)؛ درختان را قطع نکنید که موجب برانگیختن عذاب سخت الهی بر شما می‌شود.

در بیانی نورانی از امام باقر^(ع)، حیوانات جزو شاکیان روز قیامت‌اند. ایشان از کشتن تفریحی حیوانات و مثله کردن و آزار و اذیت آن‌ها نهی فرموده، دستور می‌دهد چاقوی قصابی را نیز تیز کنید [تا حیوانات در هنگام ذبح زجر نکشند]. «مَنْ قَتَلَ عُصْفُورًا عَبَثًا أَتَى اللَّهَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ لَهُ صُرَاخٌ وَ يَقُولُ يَا رَبِّ سَلْ هَذَا فِيمَ قَتَلْتَنِي بَعِيرٍ ذَبِحَ وَ لِيُحْذَرُ أَحَدَكُمْ مِنَ الْمُثَلَّةِ وَ لِيُحَذَرَ الشُّفْرَةَ وَ لَا يُعَذَّبُ الْبَهِيمَةَ» (ابن حیون، 1385ق: ج 2: 175)

اهمیت تخریب نکردن محیط زیست تا جایی است که علی‌رغم آن‌که قرآن دستور داده در مقابل دشمنان اسلام تا می‌توانید خود را تقویت کنید و از اسب‌های ورزیده استفاده کنید (انفال/6) اما رسول گرامی اسلام اجازه نمی‌دهند مسلمانان سرزمین مشرکین را به سم و آلاینده‌های سمی آلوده سازند «قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنْ يُلْقَى السَّمُّ فِي بِلَادِ الْمُشْرِكِينَ» (کلینی، 1407ق: ج 5: 28). می‌توان از این روایت به‌طور ضمنی نهی از ساخت بمب‌های اتمی و سلاح‌های شیمیایی را دریافت نمود؛ چراکه استفاده از آن‌ها فرع ساخت و تولید آن‌هاست. یقیناً جنگ‌افزارهای هسته‌ای و شیمیایی علاوه بر تهدید جامعه بشری تأثیرات مخربی بر محیط زیست حیوانی و گیاهی می‌نهد که گاه تا سال‌ها بهره‌وری از آن را به مخاطره می‌اندازد.

بنابراین در تمام کشورها از جمله ایران قوانین بازدارنده و کیفری زیادی نسبت به جرایم زیست‌محیطی منعقد شده است. برخی از محققین مجموعه این قوانین را یک‌جا و به صورت تفصیلی و همراه دسته‌بندی‌های موضوعی جمع‌آوری نموده و در پیشگفتار آن حق داشتن محیط زیست سالم را از برخی جهات مقدم بر حق حیات می‌دانند (ساعد و تیلا، 1393 ش: 13).

2-3. استفاده شکرمداران از محیط زیست بدون آلودگی، اسراف و افراط و تفریط

استفاده از نعمات الهی مورد تشویق خداوند در قرآن است (نحل / 8) و حرام شمردن طیبات الهی، به همان میزان، ناپسند است که حلال شمردن حرام‌های الهی. اعراب جاهلی گاه شتر یا گوسفندان را با شرایطی حرام می‌دانستند و یا بخشی از زراعت و چهارپایان را مخصوص بت‌ها می‌دانستند (مائده / 103؛ انعام / 138)

خداوند در یک حکم کلی می‌فرماید: **(قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ)** (اعراف / 32) «بگو: «چه کسی زینت‌های الهی را که برای بندگان خود آفریده، و روزی‌های پاکیزه را حرام کرده است؟!» بگو: «این‌ها در زندگی دنیا، برای کسانی است که ایمان آورده‌اند؛ (اگرچه دیگران نیز با آن‌ها مشارکت دارند؛ ولی) در قیامت، خالص (برای مؤمنان) خواهد بود.» این گونه آیات (خود) را برای کسانی که آگاه‌اند، شرح می‌دهیم!» بنابراین حفاظت از محیط زیست به معنای عدم بهره‌وری یا حتی کمتر استفاده کردن از امکانات طبیعت نیست، بلکه مراد، استفاده بهینه، عاقلانه و شاکرانه از آن است؛ زیرا گاهی خودداری از بهره‌وری صحیح از امکانات محیط زیست موجب تخریب آن خواهد شد (رضائیان و جوزی، 1393 ش: 185).

قرآن کریم نام حضرت داوود و حضرت سلیمان^(ع) را - که به معنای کامل از نعمات الهی استفاده کردند و با ایجاد هنرها و صنایع، نظام قدرتمند الهی را به نمایش گذاشتند، مطرح نموده است، اما در مورد اول، عمل صالح را به دنبال این صناعات درخواست می‌نماید. **(وَ لَقَدْ آتَيْنَا دَاوُدَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أُوِّبِي مَعَهُ وَ الطَّيْرِ وَ أَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ * أَنْ إِعْمَلْ سَابِغَاتٍ وَ قَدَّرْ فِي السَّرْدِ وَ إِعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ)** (سبأ / 10-11) «و ما به داوود از سوی خود فضیلتی بزرگ بخشیدیم؛ (ما به کوه‌ها و پرندگان گفتیم: ای کوه‌ها و ای پرندگان! با او هم‌آواز شوید و همراه او تسبیح خدا گوید! و آهن را برای او نرم کردیم. (و به او گفتیم:

زره‌های کامل و فراخ بساز، و حلقه‌ها را به اندازه و متناسب کن! و عمل صالح به جا آورید که من به آن چه انجام می‌دهید بینا هستم!»

و در مورد دوم، شکر این نعمات الهی را خواستار است ﴿يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَحَارِبٍ وَ تَمَائِيلٍ وَ جِفَانٍ كَالْجَوَابِ وَ قُدُورٍ رَاسِيَاتٍ اعْمَلُوا آلَ دَاوُدَ شُكْرًا وَ قَلِيلٌ مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِينَ﴾ (سبأ/ 13) «آن‌ها هر چه سلیمان می‌خواست برایش درست می‌کردند: معبدها، تمثال‌ها، ظروف بزرگ غذا همانند حوض‌ها، و دیگ‌های ثابت (که از بزرگی قابل حمل و نقل نبود؛ و به آنان گفتیم: ای آل داوود! شکر (این همه نعمت را) به جا آورید؛ ولی عده کمی از بندگان من شکر گزارند!»

امیر مؤمنان می‌فرماید: «أَحَبُّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ سُبْحَانَهُ الْعَامِلُ فِيمَا أَنْعَمَ بِهِ عَلَيْهِ بِالشُّكْرِ وَ أَبْغَضُهُمْ إِلَيْهِ الْعَامِلُ فِي نِعْمَةٍ بِالْكَفْرِ» (تمیمی آمدی، 1410ق: 216) محبوب‌ترین مردم نزد خدا شاکرترین آن‌ها بر نعمت‌ها و بدترین مردم ناسپاس‌ترین آن‌ها هستند.

بنابراین، خداوند وقتی سخن از خوردن روزی حلال و طیب می‌کند، به دنبال آن، از انسان شکر نعمت‌های خویش را طلب می‌نماید و این را نشانه بندگی خود می‌داند. ﴿فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَ أَشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ﴾ (نحل/ 114)؛ «پس، از آن چه خدا روزیتان کرده است، حلال و پاکیزه بخورید؛ و شکر نعمت خدا را به جا آورید، اگر او را می‌پرستید!»

دستورات اخلاقی قرآن مبنی بر اسراف نکردن در چندین آیه قرآن، مانند ﴿يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَ كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ (اعراف/ 31) «ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد، با خود بردارید! و (از نعمت‌های الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که خداوند مسرفان را دوست نمی‌دارد! به روشنی بر این مطلب دلالت می‌کند که ما حق هرگونه استفاده کردن از آن را نداریم.»

طبرانی ذیل آیه فوق در معنای اسراف، هرگونه تجاوز از حدود الهی را (حرام شمردن حلال الهی، تجاوز از حد و مرز انفاق و نیز حتی خوردن بیش از سیری که موجب ضرر به انسان شود) جزء مصادیق اسراف می‌داند (طبرانی، 2008م، ج 3: 135).

از سوی دیگر، تمام دستورات در مورد نظافت اجتماعی مثل دفن اموات و دفن حیوانات مصداق پاسداری از محیط زیست در نگاه اسلام است.

با کمال تأسف، صحنه تخریب محیط زیست انسانی به خصوص در شهرها و محیط زیست گیاهی و حیوانی در جنگل‌ها و رودخانه‌ها تصاویر نازیبایی را به نمایش نهاده است و به تعبیر برخی نویسندگان، این آلاینده‌گی باعث ایجاد یک هرج و مرج در شعارنویسی و پوستره‌های

دیوارها و مغازه‌ها و باشگاه‌ها و مدارس و مساجد است که به‌نحو مضمّن‌کننده‌ای در تزیید است (احمد الخشن، 1395ق: 434).

به بیان قرآن، تبدیل و تغییر نابه‌جای نعمت‌های خدادادی عذاب خداوند را در پی خواهد داشت. ﴿سَلِّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ آيَةٍ بَيِّنَةٍ وَمَنْ يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (بقره/211) «از بنی‌اسرائیل بپرس: «چه اندازه نشانه‌های روشن به آن‌ها دادیم؟» (ولی آنان، نعمت‌ها و امکانات مادی و معنوی را، که خداوند در اختیارشان گذاشته بود، در راه غلط به کار گرفتند). و کسی که نعمت خدا را، پس از آن که به سراغش آمد، تبدیل کند (و در مسیر خلاف به کار گیرد، گرفتار عذاب شدید الهی خواهد شد) که خداوند شدیدالعقاب است.»

فیض کاشانی در تفسیر خود نقل می‌کند که امام صادق^(ع) به کسی که هسته خرمایی را دور می‌انداخت، فرمود: «لَا تَفْعَلْ إِنَّ هَذَا مِنَ التَّبْذِيرِ وَ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَسَادَ (فیض کاشانی، 1415ق، ج 3: 188)؛ این کار را نکن که مصداق تبذیر است و خداوند فساد را دوست ندارد.

2-4. رعایت حق آیندگان

همان‌گونه که گفته شد، انسان امانت‌دار محیط زیست است نه مالک آن. بنابراین اغلب اسناد حقوقی بین‌المللی به حقوق نسل‌های آینده اشاره دارد. دراصل، اول اعلامیه «استکهلم» آمده است:

«انسان... مسئولیت خطیر حفظ و بهبود محیط زیست را برای نسل حاضر و نسل‌های آینده به عهده دارد و در بند 1 ماده 3 در چارچوب تغییرات آب و هوا اعلام می‌کند: اعضا باید سیستم آب و هوا را به‌نفع نسل‌های فعلی و آینده بشر بر مبنای تساوی و برطبق مسئولیت‌های مشترک، ولی متفاوت و قابلیت‌های خود مورد حمایت قرار دهند» (کیس، 1384ش، ج 1: 103-104).

در نگاه قرآن، از مهم‌ترین حقوق، حق سایر افراد انسانی است چه آنان که در حال حیات‌اند و چه آن‌ها که از دنیا رفته‌اند و چه آیندگان که هنوز پا به عرصه وجود نگذاشته‌اند. واژه «بیت المال» در فرهنگ دینی و دین‌مداران از واژه‌های پرکاربرد است که به حق عمومی تمام انسان‌ها در بهره‌برداری از محیط زیست و دارایی‌های آن اشاره دارد. بنابراین، قرآن کریم نه تنها انسان را مسئول اعمال خویش می‌داند، بلکه به او گوشزد می‌کند که متوجه آثار اعمال خود نیز باشد: ﴿إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَى وَ نَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَ آثَارَهُمْ وَ كُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُبِينٍ﴾ (یس / 12) «به‌یقین، ما مردگان را زنده می‌کنیم و آن‌چه را از پیش فرستاده‌اند و تمام آثار آن‌ها را می‌نویسیم؛ و همه‌چیز را در کتاب آشکارکننده‌ای برشمرده‌ایم!»

روشن است که هرگونه رفتاری که ماهیت زیست‌محیطی و انسانی را دچار اخلال و دگرگونی منفی کند، مصداق حق‌الناس خواهد بود. و از آن‌جاکه طبق بیان قرآن، منابع موجود محدود است (حجر/ 21)، ما حق هرگونه بهره‌وری و اسراف و تبذیر را نداریم. خداوند در قرآن به صراحت، محبت خویش را از اسراف‌کاران دریغ می‌کند (اعراف/ 31؛ انعام/ 141) و مردم را از اطاعت مسرفان باز می‌دارد (شعراء/ 151) و آنان را از هدایت الهی محروم (غافر/ 28) و فرجام آنان را آتش دوزخ می‌داند (غافر/ 43). این بدان علت است که تبذیرکنندگان، برادران شیطان‌اند که سخت کفران نعمت الهی می‌کنند (اسراء/ 27).

بنابراین قرآن در آیه‌ای می‌فرماید: **(وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ)** (بقره/ 205)؛ «هنگامی که روی برمی‌گردانند (و از نزد تو خارج می‌شوند)، در راه فساد در زمین، کوشش می‌کنند، و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازند؛ (با این که می‌دانند) خدا فساد را دوست نمی‌دارد».

برخی از مفسران از این آیه شریفه حرمت نابود کردن نسل حیوانات و گیاهان را استنباط نموده‌اند (حسینی شیرازی، 1378ش: 261) و برخی محققین نیز می‌گویند: تمام کسانی که به شکل‌های گوناگون، امکان استفاده از زمین را از بین ببرند و آلوده کردن هوا، اسراف در مصرف منابع و... زمینه نابودی نسل‌های آینده را فراهم می‌کنند، مشمول این آیه می‌شوند (اسماعیلی ایولی، 1390ش: 113).

از صدقات جاریه مورد تأکید روایات که اثر آن بعد از مرگ انسان نیز می‌ماند، در کنار علم، کندن نهر، حفر چاه، ساخت مسجد، فرزند صالح و نگارش قرآن، «کاشت درخت» است تا انسان‌های دیگر از آن استفاده کنند. (پاینده، 1382ش: 520) رسول گرامی اسلام در بیانی نورانی فرمود: **«مَنْ عَرَسَ عَرَسًا لَمْ يَأْكُلْ مِنْهُ أَدَمِيٌّ وَلَا خَلَقٌ مِّنْ خَلْقِ اللَّهِ إِلَّا كَانَ لَهُ صَدَقَةٌ»** (همان: 751)؛ هرکس درختی بکارد و از آن انسانی بخورد یا خلقی از مخلوقات الهی [مانند حیوانات] استفاده کند، برای او به‌عنوان صدقه جاری می‌ماند.

2-5. عشق‌ورزی و مهرورزی به محیط زیست

بر اساس آیات قرآن کریم همه موجودات آفرینش از رحمت الهی بهره‌مندند. **«وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ»** (اعراف/ 156)؛ و رحمتم همه چیز را فراگرفته است. و دارای خیر وجودی‌اند که دائماً در حال تسبیح خدایند (اسراء/ 44؛ انبیاء/ 33) نکته حائز اهمیت آن است که تمام موجودات به تصریح قرآن بر تسبیح خویش آگاه‌اند: **(أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْبِحُ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالطَّيْرِ صَافَاتٍ كُلِّ قَدْ عَلِمَ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَفْعَلُونَ)** (نور/ 41) «آیا ندیدی تمام آنان که در آسمان‌ها و زمین‌اند برای خدا تسبیح می‌

کنند، و همچنین پرندگان به هنگامی که بر فراز آسمان بال گسترده‌اند؟! هریک از آن‌ها نماز و تسبیح خود را می‌داند؛ و خداوند به آن‌چه انجام می‌دهند داناست!»
این خود، نشان از شعور و درک موجودات هستی و نیز ارزش ذاتی هستی است. به گفته پل تیلور شرط احترام به طبیعت آن است که برای گیاهان و جانوران اکوسیستم‌های طبیعی زمین ارزش ذاتی قائل باشیم. در نظر گرفتن ارزش ذاتی برای این موجودات پیش شرط ارزشی بنیادی برای حالت احترام به طبیعت است (بنسون، 1382ش: 267). جهت بررسی این مهم، گذری بر آیات نورانی قرآن کافی است.

قرآن کریم جنبندگان و پرندگان را امت‌هایی مانند انسان‌ها می‌داند. ﴿وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَمٌ أَمْثَالُكُمْ مَا فَرَطْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ﴾ (انعام/38) «هیچ جنبنده‌ای در زمین، و هیچ پرنده‌ای که با دو بال خود پرواز می‌کند، نیست مگر این‌که امت‌هایی همانند شما هستند. ما هیچ چیز را در این کتاب، فروگذار نکردیم؛ سپس همگی به سوی پروردگارشان محشور می‌گردند.»

و رسول گرامی اسلام زمین را موجودی دارای شعور می‌داند و احترام به زمین را در حد احترام به مادر می‌داند و می‌فرماید: ﴿تَحَفَّظُوا مِنَ الْأَرْضِ فَإِنَّهَا أُمَّكُمْ وَ لَيْسَ فِيهَا أَحَدٌ يَعْمَلُ خَيْرًا أَوْ شَرًّا إِلَّا وَ هِيَ مُخْبِرَةٌ بِهِ﴾ (مجلسی، 1403ق، ج: 7: 97) «از زمین حفاظت کنید که او مادر شماست و هر عمل خیر و شری که در آن انجام دهید روز قیامت از آن خبر خواهد داد.»

درک این موضوع که زمین به‌طور خاص و محیط زیست به‌صورت عام شاهد و ناظر انسان است آن‌هم با تعبیر «مادر»! دو اثر مهم را به‌دنبال دارد: اولاً، موجب نگاه مهربانانه انسان به محیط زیست می‌شود؛ آن‌هم مادری که به بیان رسول گرامی اسلام باید مراقب او بود. و ثانیاً، موجب برانگیختن شرمی عاقلانه و محترمانه از سوی انسان می‌شود که از هرگونه رفتار غیرمحترمانه در مقابل محیط زیست بپرهیزد. درک نظارت زمین بر اعمال انسان از مهم‌ترین معارف قرآنی است که در سوره زلزله دایره فهم زمین را تا حد شاهدان روز قیامت گسترانده است. ﴿يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا﴾ (زلزال/ 4) «روز قیامت زمین اخبار خود را بازگو خواهد کرد.»

مهم آن است که انسان این حضور و شهادت را درک کند. برخی پژوهشگران در بحث حیا، صرف وجود نظارت را به‌عنوان واقعیتی خارجی برای برانگیختن حیا کافی نمی‌دانند و «درک نظارت موجود» یا «احساس وجود نظارت» را مهم‌تر از وجود ناظر می‌دانند (پسنندیده، 1385ش: 52). این پژوهشگر برای برانگیختن حیا علاوه‌بر لزوم «وجود ناظر» و «درک

نظارت»، به عنصر سومی نیز اشاره می‌کند که محترم بودن ناظر نزد انسان باشد. (همان: 55). از این رو، قرآن کریم هرچند درختان و گیاهان را متاع زندگی انسان دانسته (بس/ 2-3) و آنان را وسیلهٔ برآوردن نیازمندی‌های انسان و معیشت او می‌داند (حجر/ 20) اما برایشان شأن و کرامت نیز قائل است. ﴿لَقَدْ أَلْسَمَآوَاتٍ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَ أَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ أَنْزَلْنَا مِنْ أَلْسَمَاءٍ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ﴾؛ «(او) آسمان‌ها را، بدون ستونی که آن را ببینید، آفرید، و در زمین کوه‌هایی افکند تا شما را نلرزاند (و جایگاه شما آرام باشد) و از هرگونه جنبنده‌ای روی آن منتشر ساخت؛ و از آسمان آبی نازل کردیم و به وسیلهٔ آن در روی زمین انواع گوناگونی از جفت‌های گیاهان پر ارزش رویاندیم.»

این درک، موجب می‌شود انسان از ارتکاب هرگونه گناهی حتی در خلوت و بدون ناظر انسانی پرهیز کند؛ چراکه مکان گناه را نیز شاهد و ناظر ذی‌شعور برای گناه خود می‌داند. از این رو، برخی مفسران در تقسیم‌بندی آلودگی‌های محیط زیست در کنار آلودگی‌های مادی، به «آلودگی‌های معنوی» نیز اشاره نموده‌اند (حسینی شیرازی، 1387ش: 289) که باید در مقابل آن با تکیه بر آیات نورانی قرآن از پالاینده‌های معنوی استفاده نمود تا به برکات محیط زیست دست یافت. در این خصوص، ایمان و تقوا را پالاینده‌ای مهم می‌داند که موجب ریزش برکات الهی از زمین و آسمان بر انسان می‌شود. ﴿وَ لَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَآءِ وَ الْأَرْضِ وَ لَكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ﴾ (اعراف/ 96)؛ «و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند، برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم؛ ولی (آن‌ها حق را) تکذیب کردند؛ ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.»

جالب است بدانیم مهرورزی به محیط زیست در نگاه قرآن، تابعی است از مهرورزی‌های انسانی و روابط گرم جامعهٔ انسانی. ﴿الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَ يَقَطْعُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (بقره/ 27) «فاسقان کسانی هستند که پیمان خدا را، پس از محکم ساختن آن، می‌شکنند؛ و پیوندهایی را که خدا دستور داده برقرار سازند، قطع نموده، و در روی زمین فساد می‌کنند؛ این‌ها زیان‌کاران‌اند»

نهی از قطع ارتباط‌های انسانی و به‌دنبال آن، ایجاد فساد در زمین در آیهٔ فوق، ظرافت قرآن را در این باره نشان می‌دهد. این نشان می‌دهد اسلام برای تأمین سلامت محیط زیست افزون بر ابعاد مادی آن، به بُعد معنوی نیز اهمیت داده است (جوادی آملی، 1388ش: 291).

توجه به این حقیقت، که هستی دارای کرامت و قداست است، موجب شده که امام صادق^(ع) در هنگام کاشت درخت به خواندن دعا دستور صادر کنند. علی بن رفاعه گوید: «امام فرمود هرگاه درختی یا گیاهی [بذری] را می‌کاری، برای هر شاخه یا دانه بگو: سبحان الباعث الوارث؛ در این صورت اگر خداوند بخواهد آن درخت یا بذر خطا نمی‌کند [کنایه از سبز شدن و برکت داشتن]» (کلینی، 1407ق، ج 5: 263).

بر اساس این نگاه، طبیعت مخلوقی مقدس و ذی‌حق است که مهم‌ترین دشمن آن خوی استکباری و سلطه‌جویی انسان است. بنابراین، باید انسان از نامهربانی با محیط زیست دست بکشد و چون فرزندی مؤدب، نهایت مهرورزی را به مادر خویش بنماید.

نتیجه‌گیری

این پژوهش با تکیه بر آیات نورانی قرآن کریم، ضمن بیان نگاه عمیق قرآن به محیط زیست که جزء جزء آن را آیه‌ی خداوند و دارای قداست ذاتی می‌داند و این قداست نیز ریشه در درک و تسبیح آگاهانه‌ی هستی دارد، به این نتایج دست یافت که محیط زیست افزون‌بر قداست ذاتی، دارای ارزش ابزاری است و در جهت کمال و تعالی انسان خلق شده است و دارای نظامی هدفمند و اجزایی به هم پیوسته است که ملکوتی و رای ظاهر آن است. اما از آن‌جا که از یک‌سو، دارایی‌های زیست‌محیطی هم محدود است و هم متعلق به تمام انسان‌ها و نسل‌ها و از سوی دیگر، انسان خلیفه‌ی خداوند است که باید کاری خدایی در مورد محیط زیست خود بکند، باید تابع دستورات الهی در تعامل با محیط زیست باشد و حق هرگونه بهره‌وری از آن را ندارد. بنابراین باید در انجام تکلیف خود در برابر محیط زیست چارچوب‌های اخلاقی را، که خداوند به او تکلیف نموده، رعایت کند. از این‌رو، طبق دستورات الهی در قرآن کریم، حفظ و آبادانی محیط زیست، پرهیز از فساد و تخریب آن، استفاده‌ی شاکرانه و بدون افراط و تفریط، جلوگیری از اسراف و رعایت حق آیندگان جزو الزامات و مسئولیت‌های اخلاقی انسان در تعامل با محیط زیست است. قرآن چون محیط زیست را مخلوق الهی و دارای درک و شعور می‌بیند، اجازه هر گونه بهره‌وری از آن را به انسان نمی‌دهد و در مقابل استفاده از آن، وی را مسئول اخلاقی تصرفات در آن می‌داند که کمتر در نگاه‌ها و اندیشه‌های بشری به این جامعیت توجه شده است. نوع اندیشه‌های حمایت‌گراانه از محیط زیست به جنبه‌های صرفاً بشری، مادی و زیستی موضوع توجه نموده و جنبه‌ی ماورائی آن را نادیده گرفته است. نکته‌ی حائز اهمیت نهایی، لزوم عشق‌ورزی و نگاه مهربانانه به محیط زیست است که حکایت از روح مادرانه‌ی حاکم بر هستی دارد که ترحم و ادب به تمام عناصر زیست‌محیطی اعم از انسان‌ها، گیاهان، جانوران و جمادات را از انسان طلب می‌کند.

منابع و مأخذ

- قرآن کریم، ترجمه مکارم شیرازی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (1398ق.). *التوحید*. ج 1. قم: جامعه مدرسین.
- ابن حیون، نعمان بن محمد مغربی. (1385). *دعائم الاسلام*. ج 2. قم: مؤسسه آل البيت.
- احمد الخشن، حسین. (1395ش.). *اسلام و محیط زیست*. ترجمه حمیدرضا شیخی. ج 1. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- اسماعیلی ابولی، علی. (1390ش.). *درآمدی به اخلاق زیست محیطی در اسلام*. ج 1. سمنان: دانشگاه سمنان.
- اصغری لمجانی، صادق. (1384ش.). *اصول تربیت زیست محیطی در اسلام*. ج 1. تهران: سپهر.
- بحرانی، سید هاشم بن سلیمان. (1374ش.). *البرهان فی تفسیر القرآن*. ج 1. قم: مؤسسه بعثه.
- بلخی رومی، مولانا جلال‌الدین محمد. (مشهور به مولوی). (1378ش.). *مثنوی معنوی*. ج 5. تهران: پژوهش.
- بنسون، جان. (1382ش.). *اخلاق محیط زیست*. ترجمه عبدالحسین وهازاده. ج 1. مشهد: جهاد دانشگاهی.
- پسندیده، عباس. (1385ش.). *پژوهشی در فرهنگ حیات*. ج 5. قم: دار الحدیث.
- تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد. (1410ق.). *غرر الحکم و درر الکلم*. ج 2. قم: دارالکتاب الاسلامی.
- جصاص، احمد بن علی. (1405ق.). *احکام القرآن*. ج 1. بیروت: احیاء دار التراث العربی.
- جوادی آملی، عبدالله. (1389ش.). *ادب فنای مقربان*. ج 1. قم: اسراء.
- _____ . (1388ش.). *اسلام و محیط زیست*. ج 5. قم: اسراء.
- _____ . (1389ش.). *تفسیر تسنیم*. ج 4. ج 6. قم: اسراء.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (1409ق.). *وسائل الشیعه*. ج 1. قم: مؤسسه آل البيت.
- حسینی شیرازی، سید محمد. (1387ش.). *اسلام و محیط زیست*. ترجمه سید حسین اسلامی اردکانی. ج 1. قم: یاس زهرا.
- رازی، فخرالدین ابوعبدالله محمد بن عمر. (1420ق.). *مفاتیح الغیب*. ج 3. بیروت: احیاء دار التراث العربی.
- رضائیان سحر و جوزی سید علی. (1393ش.). *اسلام و محیط زیست*. ج 1. تهران: علم و کشاورزی ایران.
- زمخشری، محمود. (1419ق.). *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل*. ج 3. بیروت: دارالکتاب العربی.
- ساعد، نادر و تیلا، پروانه. (1393ش.). *مجموعه قوانین و مقررات محیط زیست ایران*. ج 3. تهران: خرسندی.

- شریف الرضی، محمد بن حسین. (1414 ق.). *نهج البلاغه*. ج 1. قم: هجرت.
- طباطبایی، محمد حسین. (1411 ق.). *المیزان*. بیروت: مؤسسه الاعلمی.
- طبرانی، سلیمان بن احمد. (2008 م.). *التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم (الطبرانی)*. ج 1. اردن - اربد: دارالکتب الثقافی.
- فضل الله، سید محمد حسین. (1407 ق.). *تفسیر من وحي القرآن*. ج 2. بیروت: دارالملاک.
- فیض کاشانی، محسن. (1415 ق.). *تفسیر الصافی*. ج 2. تهران: مکتبه الصدر.
- قطب، سید محمد بن ابراهیم شاذلی. (1412 ق.). *فی ظلال القرآن*. ج 17. بیروت: دارالشروق.
- کیس، الکساندر، وین فرید لانگ و پیتر اچ. (1384 ش.). *سند، حقوق محیط زیست*. ترجمه محمد حسن حبیبی. ج 1. ج 2. تهران: دانشگاه تهران.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. (1403 ق.). *بحار الانوار*. ج 2. بیروت: نشر احیاء التراث.
- محقق داماد، سید مصطفی. (1393 ش.). *الهیات محیط زیست*. ج 1. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- محمدی، طاهره و اذانی، مهری. (1396). «نگرش و اهمیت اسلام به محیط زیست». *مجله مطالعات علوم زیستی و زیست فناوری*. ش 9. دوره سوم.
- مصباح یزدی، محمد تقی. (1382 ش.). *آذر خشی دیگران: آسمان کربلا*. ج 10. قم: مؤسسه امام خمینی.
- _____ . (1391 ش.). *نظریه حقوقی اسلام*. ج 5. قم: مؤسسه امام خمینی.